

نگارش به مثابه سلوک

قضاوت عمر . جلسه ۵۸

رضا رحیمی فرد . ۲۴ اسفند ۹۵

لطفاً توجهتون رو حفظ کنید همین طور متوجه نفسهاتون دم وبازدم با این آگاهی که هر نفسی که می کشید نفسی به مرگ نزدیک تر میشید کسی نمیدونه چند نفس تا مرگ باقی مونده شما جوانی هستید که در اوج سرزندگی و اوج پویایی و نشاط در بهترین دانشگاه کشور مشغول تحصیلید و جزو نخبگان به حساب میاید اما به اتفاق باعث میشه همه آنچه که برآش زحمت کشیدید در یک لحظه از بین بره در آستانه به ثمر نشستن همه زحمات تون مجبور به ترک تحصیل میشید فشارها روی شما زیاده از خانواده از جامعه دوستان و بیشتر از همه فشاری که در درون خودتون احساس میکنید و بی نتیجه بودن همه زحمات رو همه تلاش هایی که در طول این سالها داشتید تحمل این وضعیت برای شما خیلی مشکله پس زندگی فعلی تون رو ترک میکنید و به نوعی فرار میکنید در همین وضعیت سرگشتگی و سرگردانی سر از روستای دورافتاده ای در میارید و مدتها با خودتون خلوت میکنید منزوی بهتر از ارتباط با مردم و هیچ تلاشی برای زندگی دوباره ای ندارید اما مردم دست از سر شما بر نمیدارن رفته رفته ارتباط ها شکل میگیره مردم از شما توقع دارند حالا که در این روستا زندگی میکنید خدمتی به این روستا انجام بدید و بعنوان کسی که تحصیل کرده است و باسواده به کودکان اونها سواد بیاموزه و معلم شون بشه ابتدا پرهیز میکنید اما رفته رفته با کودکان و بچه های روستا ارتباط میگیرید و همه تلاش تون رو میکنید که بهترین معلمی باشید که ممکنه این بچه ها در طول زندگی شون و تحصیل شون تجربه کردن سالها میگذره و شما سنی ازتون گذشته خانواده ای دارید و این روستا دیگه از اون حالت دورافتاده و مخروبه در اومده و تبدیل به یه روستای آبادی شده مدرسه ای که با یک کلاس راه انداختین الان تبدیل به یه مجتمع آموزشی شده و فارغ التحیلان زیادی داره که در اقصا نقاط جهان مشغول تحصیل و کار زندگی هستن مردم این روستا آبادی روستای خودشون رو هم به همین مدرسه مربوط میدونن و به نوعی همه این اتفاقات رو مدیون حضور شما در روستا میدونن شما جایگاهی تو این روستا دارید که به نوعی بزرگ روستا و معتمد مردم هستید اما اجل شما فرا رسیده در بستر مرگ قرار دارید و شاهد این هستید که اهالی روستا نگران حال شما هستند اما شما نگران خودتون هستید نگران اینکه چگونه باید در محضر خداوند حاضر باشید چه چیزی رو میخواید عرضه کنید و آیا اصلاً چیزی دارید برای عرضه کردن که باعث نجات شما بشه تردید دارید که هر آنچه که مردم به وجود شما نسبت میدن آیا واقعا انتخاب شما و فعل شما بوده و به نوعی اطمینان دارید که این قضاوتی که خودتون در مورد خودتون دارید تا حد زیادی به اون دآوری که شما قراره باهاش روبرو بشید یکی خواهد بود هر زمان که آماده بودید قضاوت خودتون رو در مورد عمری که رفته بنویسید.